

آیا امیرمؤمنان (ع) در صلح حدیبیه، با دستور رسول خدا (ص) مخالفت کرده است؟

سؤال کننده: دلداده علی

طرح شبهه:

یکی از نویسندگان سنی در پاسخ به حدیث قرطاس و مخالفت عمر بن الخطاب با دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله ادعا کرده است که اگر عمر با دستور آن حضرت مخالفت کرده، علی علیه السلام نیز در قضیه صلح حدیبیه مخالفت کرده است. در ذیل عین کلام ایشان را برای شما نقل می‌کنم، امیدوارم که پاسخ قانع کننده‌ای برای بنده ارسال فرمایید:

«هنگامی که آن حضرت در صلح حدیبیه صلح نامه نوشتند و در پایان آن، دستور دادند که محمد رسول الله را بنویسد بعد از آن مشرکین اعتراض کردند که ما شما را رسول الله نمی‌دانیم، لذا رسول الله را حذف کنید و تنها محمد بنویسید، آن حضرت صلی الله علیه وسلم به حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: امح رسول الله (لفظ رسول الله را از پایان صلح نامه پاک کنید) اما حضرت علی رضی الله عنه در جواب ایشان فرمودند: والله لا امحوک ابدأ قسم به خدا اسم شما را پاک نخواهم کرد (صحیح بخاری: 2/610).

حتی مسئله به آنجا رسید که آنحضرت فرمودند: به من نشان بدهید تا آن را پاک کنم. لذا خودش آن را پاک کرد. اگر قرار باشد که کلیه اقوال آن حضرت واجب العمل باشد در این صورت آیا بر علی رضی الله عنه واجب بود که لفظ رسول الله را پاک کند یا خیر؟

اگر واجب بود چرا به واجب عمل نکرد؟ اگر مستحب بوده در مسئله قلم و دوات نیز مستحب بوده است.»

پاسخ:

اصل روایت:

مَدَنَّا مُمَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، مَدَنَّا غُنْدَرُ، مَدَنَّا شُعْبَةُ، عَنِ أَبِي إِسْمَاقٍ، قَالَ: سَمِعْتُ الْبَرَاءَ بْنَ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: " لَمَّا صَلَّحَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَهْلَ الْمُدَيَّبِيَّةِ كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَيْنَهُمْ كِتَابًا، فَكَتَبَ مُمَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ، فَقَالَ الْمُشْرِكُونَ: لَا تَكْتُبْ مُمَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ، لَوْ كُنْتَ رَسُولًا لَمْ نَقَاتِلَكَ، فَقَالَ لِعَلِيِّ: ائِمَّنِي، فَقَالَ عَلِيُّ: مَا أَنَا بِالَّذِي أَمَّاهُ، فَمَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِيَدِهِ، وَصَالَمَهُمْ عَلَى أَنْ يَدْخُلَ هُوَ وَأَصْحَابُهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَلَا يَدْخُلُوهَا إِلَّا بِجُلبَانِ السَّلَاحِ، فَسَأَلُوهُ مَا جُلبَانُ السَّلَاحِ، فَقَالَ: الْقِرَابُ بِمَا فِيهِ.

براء بن عازب گفت: زمانی که رسول خدا با اهل مدینه صلح کرد، علی بن ابی طالب (ع) نویسنده صلح نامه بود؛

پس نوشت: «محمد رسول الله». مشرکان گفتند: نویسنده «محمد رسول الله» اگر تو رسول خدا بودی، ما با تو

نمی‌جنگیدیم. پس آن مضرت به علی (علیه السلام) فرمود: آن را پاک کن. علی (علیه السلام) فرمود: من کسی

نیستم که آن را پاک کنم؛ پس رسول خدا با دست خود آن را پاک کرد و با مشرکان توافق کرد که...

صحیح البخاری، ج 3، ص 167، ح 2698، کتاب الصلح، ب 6، باب کَيْفَ يُكْتَبُ هَذَا مَا صَلَّحَ فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ وَفُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ وَإِنْ لَمْ يُنْسَبْهُ إِلَى قَبِيلَتِهِ،
أَوْ نَسَبِهِ.

تردیدی نیست که این قضیه با قضیه مخالفت عمر بن الخطاب در رزیه الخمیسی، قابل قیاس نیست و تفاوت زیادی بین این دو وجود دارد.

برای روشن شدن حقیقت باید به چند نکته اساسی توجه نمود:

نکته اول: درخواست کننده سهیل بن عمرو بوده نه رسول خدا (ص):

طبق روایتی که نسائی در خصائص امیرمؤمنان و در سنن کبرای خود نقل کرده است، درخواست کننده محو جمله «رسول الله» از صلح نامه،

یکی از مشرکان به نام سهیل بن عمرو بوده است، نه شخص رسول خدا صلی الله علیه وآله. و امیرمؤمنان علیه السلام در پاسخ به او گفت

که هرگز آن را محو نخواهد کرد:

أَمْبَرَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ صَالِحٍ، قَالَ: مَدَّتْنَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ صَالِحٍ، قَالَ: مَدَّتْنَا عَمْرُو بْنُ هَاشِمٍ الْجَنْبِيَّ، عَنْ مُمَمِّدِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ
مُمَمِّدِ بْنِ كَعْبِ الْقُرْظِيِّ، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسٍ، قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيٍّ: " تَجْعَلُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ ابْنِ أَكْلَةَ الْأَكْبَادِ مَكْمًا؟ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ
كَاتِبَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَوْمَ الْمُدَيَّبِيَّةِ، فَكَتَبَ: هَذَا مَا صَلَّحَ عَلَيْهِ مُمَمِّدُ رَسُولُ اللَّهِ، وَسُهَيْلُ بْنُ عَمْرٍو، فَقَالَ سُهَيْلُ: لَوْ عَلِمْنَا
أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ مَا قَاتَلْنَاهُ، أَمْهًا، فَقُلْتُ: هُوَ وَاللَّهِ رَسُولُ اللَّهِ، وَإِنْ رَجِمَ أَنْفُكَ، لَا وَاللَّهِ، لَا أَمْهًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَرِنِي
مَكَانَهَا، فَأَرَيْتُهُ فَمَكَاهَا.

از علقمه بن قیس نقل شده است که به علی (علیه السلام) گفتم: آیا بین خود و بین فرزند جگر فوار، مکه (داور) قرار

می‌دهی؟ فرمود: من در روز مدینه کاتب رسول خدا صلی الله علیه وآله بودم پس نوشت (م): این صلح‌نامه‌ای است بین

محمد رسول الله و سهیل بن عمرو. پس سهیل گفت: اگر ما می‌دانستیم که او رسول خدا است، با او نمی‌جنگیدیم، آن را

پاک کن. من گفتم: به خدا سوگند که او رسول خدا است، اگر چه بر خلاف میل تو باشد، به خدا سوگند آن را پاک نمی‌کنم.

پس رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: جای آن را به من نشان بده، پس نشان دادم و آن مضرت آن را محو کرد.

النسائی، ابوعبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علی (متوفای 303 هـ)، خصائص امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، ج 1، ص 201، ح 191 - 192، تحقیق:

أحمد ميرين البلوشي، ناشر: مكتبة المعلا - الكويت الطبعة: الأولى، 1406 هـ.

النسائي، ابو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي (متوفى 303 هـ)، السنن الكبرى، ج 5، ص 167، ح 8576، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1991.

ابن حجر عسقلاني نیز همین روایت را در فتح الباری نقل کرده است :

وللنسائي من طريق علقمة بن قيس عن علي قال كنت كاتب النبي صلى الله عليه وسلم يوم المديبية فكتبت هذا ما صالح عليه ممد رسول الله فقال سهيل لو علمنا أنه رسول الله ما قاتلناه اممها فقلت هو والله رسول الله صلى الله عليه وسلم وإن رغب أنفك لا والله لا أمموها.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ)، فتح الباری شرح صحيح البخاری، ج 7، ص 503، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

پس بر طبق این روایت، امیرمؤمنان علیه السلام با دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله مخالفت نکرده است؛ بلکه با دستور نماینده مشرکان؛ یعنی سهیل بن عمرو مخالفت کرده است.

نکته دوم: دستور پیامبر (ص) در حدیبیه، لازم الاجرا نبود

به طور قطع دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله در حدیبیه، دستور وجوبی و لازم الاجرا نبوده است؛ زیرا ممکن نیست که امیرمؤمنان علیه السلام با چنین دستوری مخالف نماید؛ زیرا آن حضرت به خوبی می دانست که سرپیچی از فرمان آن حضرت چه عواقبی خواهد داشت. خداوند در این باره می فرماید:

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا كَالَّذِي أُخْرِجَ فِيهَا وَهُوَ عَذَابٌ مُهِينٌ.

النساء/14.

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کنند که جاهدانه در آن فواید ماند و برای او مجازات فوارکننده ای است.

از این رو بزرگان اهل سنت تصریح کرده اند، که امیرمؤمنان با قرائنی متوجه شده بود که این دستور وجوبی و حتمی نیست و لذا از محو «رسول الله» از صلح نامه خودداری کرد. ابن حجر عسقلانی در این باره گفته است:

وكان عليا فهم أن أمره له بذلك ليس متممًا فلذلك امتنع من امتثاله

برداشت علی (علیه السلام) این بود که این دستور متممی نیست؛ پس به همین خاطر از امتثال دستور آن حضرت امتناع کرد.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 7، ص 503، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

بدر الدین عیین نیز در عمده القاری نوشته است:

وقول علی، رضی الله تعالی عنه: ما أنا بالذی أمماه، لیس بمخالفة لأمر رسول الله، صلى الله عليه وسلم لأنه علم بالقرينة أن الأمر لیس للإيجاب.

این گفته علی (علیه السلام) که «من کسی نیستم که آن را ممو کنم» مخالفت با دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله نیست؛ چرا که آن مضرت با قرینه می‌دانست که این دستور ایجابی نیست.

العینی الغیتابی الحنفی، بدر الدین ابومحمد محمود بن أحمد (متوفای 855 هـ)، عمده القاری شرح صحیح البخاری، ج 13، ص 275، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

و قسطلانی نیز در شرح این قضیه می‌نویسد:

(ما أنا بالذی أمماه) لیس بمخالفة لأمره عليه الصلاة والسلام بل علم بالقرينة أن الأمر لیس للإيجاب.

این گفته علی (علیه السلام) «من کسی نیستم که آن را ممو کنم» مخالفت با دستور رسول خدا که سلام و صلوات خدا بر او باد، نیست؛ بلکه با قرینه می‌دانست که این دستور ایجابی نیست.

القسطلانی، احمد بن محمد الخطیب (متوفای 923 هـ)، ارشاد الساری، ج 4، ص 340، کتاب الصلح، باب كَيْفَ يُكْتَبُ هَذَا مَا صَالِحَ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ.

کرمانی، یکی دیگر از شارحان صحیح بخاری می‌نویسد:

فان قلت: كيف جاز لعلی مخالفة أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم؟ قلت: بالقرينة أنه لیس للإيجاب.

اگر بگوییم: چگونه جایز است که علی (علیه السلام) با دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم مخالفت کرده باشد؟ می‌گوییم: با قرینه فهمید که آن دستور ایجابی نبوده است.

الکرمانی، محمد بن یوسف بن علی (متوفای 786 هـ)، البخاری بشرح الکرمانی (الکواکب الدراری شرح الکرمانی للبخاری)، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت - الطبعة الثانية، 1401 هـ - 1981 م.

حتی تعدادی از بزرگان اهل سنت، این کار امیرمؤمنان علیه السلام را جزء فضائل آن حضرت به شمار آورده و گفته‌اند که این کار به خاطر رعایت ادب بوده است.

ابن بطلال قرطبی، در شرح صحیح بخاری در این باره می‌نویسد:

وإباءة علی من ممو (رسول الله - صلى الله عليه وسلم) - أدب منه وإيمان و لیس بعصیان فیما أمره به، والعصیان هاهنا أبر من الطاعة له وأجمل فی التآدب والإکرام.

فهوداری علی (علیه السلام) از ممو جمله «رسول الله» نشانه ادب و ایمان او است، نه این که عصیان و سرپیچی از دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله باشد. سرپیچی در این جا، بهتر از اطاعت، و از جهت ادب و احترام، زیباتر بوده است.

ابن بطلال البکری القرطبی، ابوالحسن علی بن خلف بن عبد الملک (متوفای 449هـ)، شرح صحیح البخاری، ج 8، ص 88، تحقیق: ابوتمیم یاسر بن ابراهیم، ناشر: مکتبه الرشد - السعودیة / الرياض، الطبعة: الثانية، 1423هـ - 2003م.

و علامه نووی در شرح صحیح مسلم می گوید:

وهذا الذى فعله على رضى الله عنه من باب الأدب المستمب لأنه لم يفهم من النبى صلى الله عليه وسلم تمتيم ممو على بنفسه ولهذا لم ينكر ولو متم مموه بنفسه لم يجز لعلى تركه ولما أقره النبى (ص) على المخالفة.

این کار علی (علیه السلام) از باب ادب مستمب بوده است؛ زیرا فهمیده نمی شود که رسول خدا صلی الله علیه وآله لازم دانسته است که علی (علیه السلام) فودش ممو کند؛ به همین خاطر رسول خدا اشکال نگرفت. اگر ممو کردن توسط فود علی متمی بود، برای او جایز نبود که آن را ترک کند و رسول خدا او را بر مخالفتش تأیید نمی کرد.

النووى الشافعى، محبى الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفى 676 هـ)، شرح النووى على صحيح مسلم، ج 12، ص 135، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، الطبعة الثانية، 1392 هـ.

و صالحى شامى نیز همین سخن را تکرار کرده است:

التاسع والعشرون : امتناع على - رضى الله عنه - من ممو لفظ «رسول الله صلى الله عليه وسلم» من باب الادب المستمب، لانه لم يفهم من النبى - صلى الله عليه وسلم - تمتيم مموه على بنفسه، ولهذا لم ينكر عليه، ولو متم مموه بنفسه لم يجز لعلى تركه، ولما أقره النبى - صلى الله عليه وسلم - على المخالفة.

الصالحى الشامى، محمد بن يوسف (متوفى 942هـ)، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، ج 5، ص 77، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1414هـ.

ملا علی هروى همين مطلب را از علما نقل کرده است:

قال العلماء : وهذا الذى فعله على من باب الأدب المستمب لأنه [لم] يفهم من النبى تمتيم مموه على نفسه، ولهذا لم ينكره عليه، ولو متم مموه بنفسه لم يجز لعلى تركه.

ملا علی القارى، نور الدين أبو الحسن على بن سلطان محمد الهروى (متوفى 1014هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج 7، ص 562، تحقيق: جمال عيتانى، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2001م.

اما در قضيه قرطاس، فرمان رسول خدا صلی الله علیه وآله قطعاً وجوبی بوده است، برای اثبات این قضیه، قرائن زیادی وجود دارد:

الف: تعبیر ابن عباس از این قضیه به رزیه و مصیبت جانسوز:

إِنَّ الرِّزِيَّةَ كُلَّ الرِّزِيَّةِ مَا هَالِ يَزِينُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَزِينُ كِتَابَهُ.

صحیح البخاری، ج 1، ص 36، ح 114، کتاب العلم، ب 39، باب كِتَابَةُ الْعِلْمِ.

ب: بیرون کردن حضرت صحابه را از منزل:

فَاذْهَبُوا وَكَثُرَ اللَّغْمُ. قَالَ: «قَوْمُوا عَنِّي».

صحیح البخاری، ج 1، ص 36، ح 114، کتاب العلم، ب 39، باب كِتَابَةُ الْعِلْمِ.

ج: نامه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌خواست بنویسد، قرار بود تا ابد ضامن عدم ضلالت شود، و دستور به آوردن قلم و دوات برای نوشتن چنین نامه‌ای نمی‌تواند استجابی باشد.

أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا».

صحیح مسلم، ج 5، ص 75، ح 4124، کتاب الوصیة باب ترک الوصیة لمن لیس عنده شیء.

د: قرار بود که این نامه مانع هر گونه اختلاف شود:

أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَفْتَلِحُوا بَعْدِي أَبَدًا.

الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن یوب (متوفای 360هـ)، المعجم الكبير، ج 11، ص 36، ح 10961، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، ناشر: مکتبة الزهراء - الموصل، الطبعة: الثانية، 1404هـ - 1983م.

این نامه به صورتی بود که بعد از آن حتی دو نفر نیز با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند:

أَكْتُبُ لَكُمْ فِيهِ كِتَابًا لَا يَفْتَلِحُ مِنْكُمْ رَجُلَانِ بَعْدِي

الشیبانی، ابوعبد الله أحمد بن حنبل (متوفای 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 1، ص 293، ح 2676، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

نکته سوم: تفاوت پاسخ امیرمؤمنان (ع) با تعبیر عمر:

در صلح حدیبیه وقتی رسول خدا صلی الله علیه وآله از امیرمؤمنان علیه السلام خواستند جمله «رسول الله» را از صلح‌نامه پاک کند، آن حضرت با کمال ادب و احترام عرض کرد:

مَا أَنَا بِالَّذِي أَمَّاهُ.

من توانائی چنین کاری را ندارم.

و یا بر طبق نقل ابن ابی الحدید فرمودند:

يا رسول الله، لا تشجعني نفسي على مما اسمك من النبوة، قال: ففضي عليه، فمما بيده.

ای پیام آور فدا ! مرا برای مذهب فودت وادار مساز، (مرا معذور بدار)، رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز عذر علی را پذیرفت و فود به دست مبارکش آن را مذهب نمود.

ابن ابی‌الحدید المدائنی المعتزلی، ابوحامد عز‌الدین بن هبۀ الله بن محمد بن محمد (متوفای 655 هـ)، شرح نهج البلاغۀ، ج 2، ص 161، تحقیق محمد عبد‌الکریم النمری، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1998 م.

اما در قضیه قرطاس، وقتی رسول خدا صلی الله علیه وآله درخواست قلم و دوات کرد، صحابه به نزاع با یکدیگر و سر و صدا پرداختند و عمر بن خطاب فریاد زد:

ان الرجل ليهجر.

چنانچه ابوحامد غزالی می‌نویسد:

ولما مات رسول الله صلى الله عليه وسلم قال قبل وفاته ائتوا بدواة وبيضاء لأزيل لكم إشكال الأمر واذكر لكم من المستمق لها بعدى. قال عمر رضى الله عنه دعوا الرجل فإنه ليهجر

وقتی رسول خدا از دنیا رفت، قبل از وفاتش فرمود: دوات و کاغذی بیاورید، تا اشکال کار شما را برطرف کنم و نام فرد شایسته بعد از فودم را بنویسم. عمر گفت: رها کنید که این مرد هذیان می‌گوید.

الغزالی، ابوحامد محمد بن محمد (متوفای 505 هـ)، سر العالمین وکشف ما فی الدارین، ج 1، ص 18، تحقیق: محمد حسن محمد حسن إسماعیل وأحمد فريد المزيدي، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1424 هـ - 2003 م.

و عکبری بغدادی می‌نویسد:

ومنه قول عمر بن الخطاب رضى الله عنه مرض رسول الله إن الرجل ليهجر على عادة العرب.

از جمله آن‌ها این سفن عمر است که گفت: رسول خدا مریض شده، این مرد هذیان می‌گوید. بنابر عادتی که عرب داشتند.

العکبری البغدادی، أبو البقاء محب‌الدین عبد‌الله بن‌الحسین بن عبد‌الله (متوفای 616 هـ)، دیوان‌المتنبی، ج 1، ص 9، تحقیق: مصطفى السقا/إبراهیم الأبیاری/عبد‌الحفیظ شلیبی، ناشر: دار‌المعرفة - بیروت.

و طبق نقل بخاری عمر گفت:

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَلَبَهُ الْوَجَعُ وَعِنْدَنَا كِتَابُ اللَّهِ مَسْبُتًا.

بیماری بر رسول خدا غلبه کرده است، کتاب خدا که در نزد ما است کفایت می‌کند.

صحيح البخاری، ج 1، ص 36، ح 114، کتاب‌العلم، ب 39، باب كِتَابَةُ الْعِلْمِ.

یعنی آن قدر بیماری بر او غلبه کرده است که نمی‌داند چه می‌گوید.

نکته چهارم: غمناک شدن پیامبر (ص) در قضیه قرطاس

در صلح حدیبیه، وقتی امیرمؤمنان علیه السلام از پاک کردن «رسول الله» از صلح‌نامه خودداری کرد، رسول خدا صلی الله علیه وآله نه تنها ناراحت نشد؛ بلکه فرمود: آن را به من نشان دهید تا خودم آن را پاک کنم.

ولی در قضیه قرطاس آن چنان ناراحت شدند که صحابه را از خانه خود بیرون کردند:

فَأَتَلَفُوا وَكَثُرَ اللَّغَطُ. قَالَ: «قَوْمُوا عَنِّي».

وقتی صحابه افتلاف و سر و صدا کردند، رسول خدا (ص) فرمود: از پیش من بیرون بروید.

صحیح البخاری، ج 1، ص 36، ح 114، کتاب العلم، ب 39، باب كِتَابَةُ الْعِلْمِ.

و طبق نقل احمد بن حنبل، آن حضرت غمگین شدند:

فَلَمَّا أَكْثَرُوا اللَّغَطَ وَالْإِفْتِلَافَ وَغَمَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وقتی افتلاف و سر و صدا زیاد شد، رسول خدا (ص) غمگین شدند.

الشیبانی، ابوعبد الله أحمد بن حنبل (متوفای 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 1، ص 324، ح 2992، ناشر: مؤسسه قرطبه - مصر.

و بلاذری نوشته است:

فَغَمَّ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَأَضْجَرَهُ.

سفن اصصاب، آن مضرت را غمگین و آزرده فاطر کرد

البلاذری، أحمد بن يحيى بن جابر (متوفای 279هـ)، أنساب الأشراف، ج 1، ص 562 ح 1141، طبق برنامه الجامع الكبير.

ابن سعد نیز در طبقات الکبری این تعبیر را آورده است:

وغموا رسول الله صلی الله علیه وسلم.

الزهري، محمد بن سعد بن منيع ابوعبدالله البصري (متوفای 230هـ)، الطبقات الكبرى، ج 2، ص 244، ناشر: دار صادر - بيروت.

بنابراین، قضیه مخالفت عمر بن الخطاب، با قضیه حدیبیه تفاوت اساسی دارد. طبق اعتراف بزرگان اهل سنت، عملکرد امیرمؤمنان علیه السلام، ادب و نزاکت آن حضرت را ثابت می‌کند؛ اما قضیه عمر بن الخطاب این چنین نیست؛ بلکه مخالفت صریح با دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله محسوب می‌شود.

آیا عمر بن الخطاب، مشمول آیات ذیل نمی‌شود؟

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَكَفِّرْ ذُنُوبَهُ نَارًا فَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ.

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه

در آن خواهد ماند و برای او مجازات فوارکننده‌ای است.

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.

المائدة/44.

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

المائدة/45.

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

المائدة/47.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر